

وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض و... (نور / ۵۵)

خداوند کسانی از شما که ایمان آورد و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران زمین خواهد کرد.

* * *

«احساس انتظار، مثل احساس تشنگی است»^(۱)

آن کس که تشنه است، خود را به در و دیوار می‌زند تا آبی بیاید و تشنگی خویش را رفع کند. حتی اگر این تشنگی به مرگ او بینجامد، دست از تکیا پور نداشته و امید نیز در او ضعیف نخواهد شد؛ یا اینکه به خواسته خویش می‌رسد و یا اینکه در راه آن جان می‌دهد. آن کس که نیز منتظر است، برای انتظار خویش «اقدام» می‌کند.

در حقیقت «انتظار» با «اقدام» رابطه مستقیم دارد.

اگر کسی بنشیند و بگوید: «من منتظرم تا آن مقصود بیاید» و هیچ قدیم پسوی او بر ندارد، مانند کسی است که در گرمای سوزناک تابستان زیر آفتاب نشسته است و می‌گوید: «بالاخره سایه بدینجا که من نشسته‌ام خواهد رسید».

اقدام نکردن یا از کسالت است و یا اینکه آشنایی با وظیفه خود ندارد.

انتظار به معنای واقعی، آن است که در آن روز مرگی، «خفتگی» و «خمودی» وجود نداشته باشد. انسان انتظار «صاحب نظر» است، و صاحب «نظر دقیق» هیچ گاه نشسته است. تا آن نظر به ذهن او خطور کند؛ بلکه برای وصول و پرورش آن تلاش کرده تا بدان رسیده است.

تکلیف امروز منتظر را آینده مشخص می‌کند؛ زیرا ساختن «حال» رسیدن به «آینده» وظیفه انسان انتظار است.

در فطرت عالم این اصل نهفته است که وقتی انسان هدفی را بر می‌گزیند، از آن پس، رد یا قبول هر چه به او ارائه می‌شود به مطابقت یا عدم تطابق با آن صورت ذهنی که از هدفش در درون خویش ساخته است بازگشت دارد.^(۲)

انتظار پویا و هدفمند، همراه با تحرک است.

چیزی که به انتظار حیات می‌بخشد، «راه انتظار» است نه «مقصد»، «تلاش» است نه «کام یابی».

انسان دقیق و آگاه می‌داند که وصال با تکیا پو امکان‌پذیر است و اگر کسی در راه رسیدن به هدف غائی انتظار جان سپرد، بدان هدف رسیده است.

هر کس دوست دارد از یاران حضرت قائم باشد باید در انتظار او باشد، به نیکویی و پرهیزکاری رفتار نماید؛ پس اگر او به این حال، پیش از قیام او از دنیا برود، پاداش یاران مهدی را خواهد گرفت...^(۳)

* * *

هر انسانی فطرتاً دنبال «مدینه»

فاضله» است، مدینه‌ای که در آن هیچ آثاری از زشتی، پلیدی و ظلم و جور وجود نداشته باشد. «انسان فطرتاً در جستجوی بهشت است، همان بهشتی که از آن هیوط کرده است»^(۴)

فلسفه تاریخ مبارزه انسان شیعه در راستای عدالت نیز همین مدینه فاضله بوده است.

شهر رویایی بیشتر که همه انسان‌ها از اول خلقت تا کنون، دنبال آنند تا حتی برای لحظه‌ای آنرا درک کنند دور از دسترس نیست؛ «آب در یک قدمی است»^(۵)

فقط کافیت پسوی آن گام برداشت و حرکت کرد و این حرکت بسیار مهم است.

آنانی که می‌گویند باید دست روی

دست گذاشت، تا امام زمان (عج) بیاید بعد همه چیز درست می‌شود، در شب تاریک چراغ روشن نمی‌کنند چون فردا بناست «خورشید عالم تاب بدمد»^(۶)

«مدینه فاضله» قطعه سنگی نیست که از آسمان به زمین بیفتد، بلکه محصول تلاش‌های انسان‌های منتظر است که در راه رسیدن به حق گام بر می‌دارند.

ابتدای شکل گرفتن شهر خوبی‌ها - که از عدل و داد سرشار است.^(۷) - ظهور نیست بلکه آن زمانیست که انسان‌های دین و باور حقیقت جو بپا خیزند و زمینه آن را فراهم کنند.

«مدینه المهدی» موتور محرک جامعه اسلامی است نه صرف مقصد. برای رسیدن به آن منزل مقصود باید «کوشید»، «جوشید» و «خروشید».

«مدینه المهدی» در زمان و مکان مشخص خلاصه نمی‌شود؛ بلکه به وسعت یک «جغرافیای جهانی عقیدتی» است. در قبال رسیدن به آن شهر آرزوها و وظائفی بر عهده ماست که همه این وظائف در تشکیل آن سهم بسزائی دارد که اگر یکی از ما به کوچکترین وظیفه خویش، عمل نکنیم، بدان غایت نخواهیم رسید.

* * *

رسیدن به «مدینه فاضله مهدی (عج)» بپا خاستن و قدم‌های استوار در مسیر گذاشتن و زمینه را برای آن «قیام جهانی» آماده کردن است و گرنه آن «بهشت زمینی» در حد یک رؤیا باقی خواهد ماند.

..... پی نوشت:

۱. ابوالقاسم حسینی
۲. (۴) شهید آوینی
۳. امام صادق (ع) - بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۴۰.
۴. شهراب سپهری.
۵. مقام معظم رهبری، نیمه شعبان ۱۳۸۱.
۶. اشاره است به حدیث مشهور (یَمْلَأُ بِهِنَّ الْاَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا، کَمَا مَلَأَتْ ظُلُمًا وَ جَوْرًا)
۷. منابع:
 - (۱) توسعه و میانی تمدن غرب - شهید آوینی (انتشارات ساقی)
 - (۲) آقای وزیر بخوان، با صدای بلند بخوان - محمد نوری زاد (مؤسسه کیهان)
 - (۳) گنتمان مهدویت، (گفتار سوم)، (بوستان کتاب قم)

بهشت زمینی

امین باباگل زاده

با الهام از سخنان گوهر بار مقام معظم رهبری در نیمه شعبان ۸۱

